



Tax collection based on tax justice with an e-government approach

Vahid Abrishami¹, Mandan Momeni ^{*2}, Vahid Araee³, Mohammad Reza Rabiei Mandejin ⁴

1- PhD student, Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2*- Assistant Professor, Department of Public Administration, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3- Assistant Professor, Department of Public Administration and Public Policy, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4- Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

This study examines tax system reforms and their role in improving tax compliance, transparency, and economic efficiency. Tax reforms include policies such as digitization of processes, tax fairness, and improved interaction with taxpayers, which have been used in many countries as a solution to increase tax revenues and reduce tax evasion. In Iran, despite efforts to develop e-government and financial transparency, challenges such as weak infrastructure, resistance to change, and traditional organizational culture still exist. This study emphasizes that for success in tax system reform, a comprehensive approach is needed with a focus on new technologies, taxpayer education, and social trust-building to achieve the goals of sustainable economic development and social justice.

Keywords: Tax ,tax justice, e-government ,tax system

Citation:

Abrishami, V. , Momeni, M. , Araee, V. & Rabiei Mandejin, M. R. (2024). Tax collection based on tax justice with an e-government approach. *Journal of Intelligent Marketing Management*, 5(4), 403-423.



دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک

وحید ابریشمی^۱، ماندان مومنی^{۲*}، وحید آرایبی^۳، محمدرضا ربیعی مندجین^۴

۱- دانشجو دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- استادیار گروه مدیریت دولتی و خط مشی گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴- استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش به بررسی اصلاحات نظام مالیاتی و نقش آن در بهبود پذیرش مالیاتی، شفافیت و کارآمدی اقتصادی می‌پردازد. اصلاحات مالیاتی شامل سیاست‌هایی مانند دیجیتالی‌سازی فرآیندها، عدالت مالیاتی و بهبود تعامل با مودیان است که در بسیاری از کشورها به عنوان راهکاری برای افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی مورد استفاده قرار گرفته است. در ایران، با وجود تلاش‌های انجام شده برای توسعه دولت الکترونیک و شفافیت مالی، چالش‌هایی نظیر ضعف زیرساخت‌ها، مقاومت در برابر تغییر و فرهنگ سنتی سازمانی همچنان وجود دارد. این مطالعه تأکید می‌کند که برای موفقیت در اصلاح نظام مالیاتی، نیاز به رویکردی جامع با تمرکز بر فناوری‌های نوین، آموزش مودیان و اعتمادسازی اجتماعی وجود دارد تا اهداف توسعه اقتصادی پایدار و عدالت اجتماعی محقق شود. یافته‌های پژوهش که پس از انجام مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مدل نهایی پژوهش به دست آمده است، نشان می‌دهد که مدل نهایی از ۶ مقوله کلی، ۱۲ مقوله فرعی و ۸۹ مفهوم اصلی تشکیل شده است.

کلیدواژه‌ها: مالیات، عدالت مالیاتی، دولت الکترونیک، نظام مالیاتی

استناد:

ابریشمی، وحید، مومنی، ماندان، آرایبی، وحید و ربیعی مندجین، محمدرضا. (۱۴۰۳). دریافت مالیات مبتنی بر عدالت مالیاتی با رویکرد دولت الکترونیک. مدیریت بازاریابی هوشمند، ۵(۴)، ۴۲۳-۴۰۳.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

<https://doi.org/JABM.3.2.15564.35125656565047>

نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند، ۱۴۰۳، دوره ۵، شماره ۴، پیاپی ۲۶

ناشر: نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان



مقدمه

به طور کلی، ظرفیت یک کشور برای تامین رفاه و امنیت شهروندانش از طریق توانایش برای کسب منافع کافی از طریق مالیات تعیین می شود. بنابراین بسیج موثر درآمدهای مالیاتی از همه بخشهای اقتصادی میزان خدمات عمومی در کشورهای در حال توسعه را افزایش می دهد. یکی از عواملی که در حوزه، مالیات اهمیت زیادی دارد مفهوم پذیرش مالیاتی می باشد. به طور کلی، یکی از مهمترین مباحث مربوط به جلب رضایت مالیات دهندگان پذیرش مالیاتی مالیات دهندگان است (مشهورالحسینی و همکاران، ۱۴۰۰). تعیین سطح پذیرش مالیات دهندگان برای سازمان مالیاتی مانند اندازه گیری سود خالص در بخش است زیرا هر دو شاخص هایی خلاصه شده از کارایی و اثر بخشی عملکرد سازمان هستند. از طرف دیگر، شناسایی حوزه هایی که در آنها پذیرش مالیاتی کم بوده و یا عدم پذیرش مالیاتی وجود دارد همراه با رتبه بندی این حوزه ها به عنوان بخشی از روند تخصیص منابع کمیاب به منظور دستیابی به حداکثر کارایی و اثربخشی در نظر گرفته میشود به عبارت دیگر میزان پذیرش میتواند معیاری برای سلامت سیستم مالیاتی در سطح خرد و حکومت و دولت در سطح کلان به شمار آید (دانشور و همکاران، ۲۰۲۳). به دلیل جستجوی بی وقفه دولتها برای کسب سود به منظور پاسخگویی به نیازهای عمومی، پذیرش مالیاتی یک مسئله مهم برای کشورهای جهان است و با بحران بدهی حاکم بر محیط اقتصاد جهانی افزایش قابل توجهی در اهمیت پذیرش مالیاتی احساس میشود. یکی از عواملی که به نظر میرسد نقش مهمی بر پذیرش مالیاتی مودیان اعمال کند، مفهوم عدالت مالیاتی ادراکی میباشد. نظریه جدید عدالت مالیاتی مورومیساتو نشان میدهد که هر کسی که میزان درآمدش بیشتر از همنوع خود باشد باید میزان مالیات بیشتری پرداخت کند. بنا به گفته اسمیت و کینزی یک سیستم مالیاتی زمانی عادلانه برداشت میشود که مالیات دهندگان اساس توانایشان برای پرداخت مالیات اقدام به پرداخت کنند. بر اما بسیاری از محققان کریستنسن و همکاران، عنوان می کنند که عدالت مالیاتی یک مفهوم چند بعدی است. در همین راستا، بررسی را به منظور شناسایی ابعاد عدالت مالیاتی انجام دادند و پنج بعد عدالت کلی، توزیعی تبادل با دولت مقررات، ویژه ساختار نرخ مالیات ترجیحی و منافع شخصی را به عنوان ابعاد عدالت مالیاتی بیان نمود. کریستین و همکاران نیز همانند، گبرینگ پنج بعد را برای عدالت مالیاتی در نظر گرفتند که این ابعاد، بعدها توسط توماس، مورد تأیید قرار گرفت سرمایه اجتماعی از دیگر عواملی است که به نظر می رسد می تواند پذیرش مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد (آلونسو و همکاران، ۲۰۲۱). امروزه نقش نظام های مالیاتی در هر کشوری در تأمین درآمدها از محل منابع مالیاتی بر هیچکس پوشیده نیست (زمانیان و باقری، ۱۴۰۰). در بعد اجتماعی، هدف عمده از وضع مالیات کاهش فاصله طبقاتی و توزیع مجدد درآمدهاست. هدف اقتصادی از وضع مالیاتها، تثبیت نوسانهای اقتصادی، تخصیص بهینه منابع بین بخشهای مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه بخشی یا منطقه ای می باشد و هدف بودجه ای دولتها از وضع مالیاتها نیز، تأمین مالی بودجه دولت می باشد مالیات به عنوان یک بخش از درآمدهای دولت نقش مهمی در اقتصاد هر کشور دارد. آگاهی از وصول میزان درآمدهای مالیاتی نقش مهمی در پیش بینی بودجه دولت و برنامه ریزی های آتی جهت توزیع و مصرف آن دارد. اما باید در نظر داشت که بهترین مدیریت مالیاتی صرفاً آن نیست که بیشترین درآمد مالیاتی را وصول شود. این مسئله که چنین درآمدی چگونه وصول شده است یعنی اثر آن بر عدالت مالیاتی، عواقب سیاسی آن برای دولت ها و تاثیر آن بر سطح رفاه اقتصادی نیز به همان اندازه مهم است در سالهای اخیر دولتها برای تأمین هزینه های خویش میکوشند از منابع مختلف درآمدی بهره مند شوند. با این حال مهمترین منبع درآمدی دولت از طریق وصول مالیاتها تأمین می گردد (آلونسو و همکاران، ۲۰۲۱). مالیات علاوه بر آن که در تأمین هزینه های دولت تأثیر گذار است میتواند نقش ابزاری در سیاست گذاریهای دولت نیز ایفا کند. لازم به ذکر است که وصول مالیات در یک جامعه میتواند اهداف متفاوتی را دنبال کند که از مهم ترین این اهداف می توان به

مواردی همچون مبارزه کردن با فساد ایجاد بسترهای لازم برای رقابت پذیری تلاش برای نظم و انضباط بودجه ای تلاش جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تامین آن از محل درآمدهای مالیاتی، ایجاد برابری اجتماعی و... اشاره نمود. اصولاً دولتها میتوانند از طریق وضع مالیات بد درآمد اشخاص متمکن و طبقات مرفه و صرف هزینه برای بهبود وضع زندگی طبقات کم بضاعت، توزیع درآمد را تعدیل نموده و اعتدال بیشتری از نظر توزیع مجدد درآمد بین طبقات مختلف جامعه برقرار سازند (حسن زاده و موسوی، ۱۴۰۱).

نظام مالیاتی کشور در دولت الکترونیک نقش بسیار مهمی دارد. یکی از اصلی ترین اهداف دولت الکترونیک، بهبود خدمات عمومی و کاهش بروکراسی اداری است. با پیاده سازی سیستم های مالیاتی الکترونیکی، فرآیندهای مالیاتی سریع تر و کارآمدتر می شوند. این سیستم ها امکان ثبت اظهارنامه های مالیاتی، پرداخت مالیات و دریافت تاییدیه ها را به صورت آنلاین فراهم می کنند که این امر باعث کاهش زمان و هزینه های مرتبط با فرآیندهای مالیاتی برای مودیان و دولت می شود (والتر، ۲۰۲۴).

از دیگر مزایای نظام مالیاتی الکترونیکی، افزایش شفافیت و کاهش فساد است. با دیجیتالی کردن فرآیندها و ذخیره اطلاعات به صورت الکترونیکی، امکان دسترسی به اطلاعات دقیق و به روز فراهم می شود. این موضوع به جلوگیری از تخلفات مالیاتی و بهبود نظارت و کنترل دولت بر درآمدهای مالیاتی کمک می کند (ابوسیلک و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین، با کاهش تعاملات مستقیم بین مودیان و کارکنان مالیاتی، خطر وقوع فساد و سوء استفاده های احتمالی کاهش می یابد. نظام مالیاتی الکترونیکی نقش مهمی در بهبود تجربه کاربران دارد. با استفاده از فناوری های نوین مانند پورتال های آنلاین و اپلیکیشن های موبایل، مودیان مالیاتی می توانند به سادگی به خدمات مالیاتی دسترسی پیدا کنند. این امر نه تنها فرآیندهای مالیاتی را ساده تر و قابل دسترس تر می کند، بلکه رضایت مودیان را نیز افزایش می دهد. در نتیجه، ارتقاء نظام مالیاتی کشور از طریق دولت الکترونیک (آلوماری و همکاران، ۲۰۱۰) می تواند به افزایش اعتماد عمومی به دولت و بهبود کارایی و شفافیت سیستم مالیاتی منجر شود. نظام مالیاتی برای موفقیت به اکوسیستم خود متکی است (نوفال، ۲۰۲۱). این اکوسیستم شبکه ای وابسته به هم متشکل از بازیگران، فناوری ها و نهادها است. اگرچه شکل و عملکرد اداره مالیات در طول هزاره ها تکامل یافته است، اما یک چیز ثابت است، ادارات مالیاتی موفق می توانند اکوسیستم خود را برای تولید درآمد شناسایی، درک کرده و از آنها استفاده کنند. ادارات مالیاتی در سراسر جهان با مجموعه ای متنوع و پیچیده از خدمات الکترونیکی به منظور افزایش تجربه مالیات دهندگان دیجیتالی شده اند. با این وجود، با توجه به نرخ بالای شکست خدمات دولت الکترونیک، درک عواملی که برای موفقیت یک سیستم مالیاتی دیجیتال ضروری هستند، بسیار مهم است (نگیان و همکاران، ۲۰۲۴).

امروزه، ادارات مالیاتی با استفاده از هوش مصنوعی، اینترنت اشیا (IoT)، محاسبات ابری، فناوری بلاک چین و غیره برای فعالیت های مالیاتی مختلف دیجیتالی شده اند. بر اساس سازمان همکاری اقتصاد و توسعه (۲۰۲۱)، ۸۰ درصد از پنجاه و نه اداره مالیاتی مورد بررسی از ابزارهای تجزیه و تحلیل داده ها، ۷۵ درصد از قابلیت های یادگیری ماشینی، و ۵۰ درصد دارای ابزار دستیار دیجیتال، به ویژه «چت بات ها» استفاده می کنند، که این وضعیت با مخارج مطابقت دارد، زیرا زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات ۵۰ درصد از هزینه های

¹ Walter

² Abu-Silake et al.

³ Alomari et al.

⁴ Nofal

⁵ Nguyen et al.

⁶ Organisation for Economic Co-operation and Development

⁷ Chatbots

سرمایه ای را تشکیل می دهد. با این وجود، هیچ مدرکی وجود ندارد که به طور قطعی نشان دهد که توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات به نتایج از پیش تعیین شده کارایی، اثربخشی و رضایت مالیات دهندگان دست خواهد یافت. طبق بررسی عمر و همکاران (۲۰۲۰)، اکثر پروژه های فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهان توسعه یافته علیرغم سرمایه گذاری مالی (مارتی^۲، ۲۰۱۰) قابل توجه در چنین پروژه هایی، به اهداف خود دست نمی یابند. وضعیت مشابهی در کشورهای در حال توسعه نیز وجود دارد. در واقع، با وجود نرخ بالای پرونده الکترونیکی در جهان توسعه یافته، نرخ پرونده الکترونیکی در کشورهای در حال توسعه همچنان پایین است.

برای یک اداره مالیاتی که به شدت به اکوسیستم خود وابسته است، برخی استدلال می کنند که فناوری به تنهایی منجر به موفقیت آن نمی شود. نیاز به درک اینکه چگونه اصلاحات دیجیتال اخیر بر اکوسیستم گسترده تر اداره مالیات که متشکل از افراد، فرآیندها و نهادهای پشت ارائه خدمات دیجیتال است، تأثیر گذاشته است. این امر به ویژه ضروری است زیرا بررسی های ادبیات توسط دادا^۳ (۲۰۰۶) و نکوهکو و اسلام^۴ (۲۰۱۳) استدلال می کنند که استفاده از اکوسیستم وسیع تری که در آن فناوری اطلاعات و ارتباطات در آن به کار می رود برای درک دلایل شکست یا گرانی هزینه ای که بسیاری از خدمات الکترونیکی را تحت تأثیر قرار داده است، حیاتی است (مایسیبا و همکاران^۵، ۲۰۱۶).

برخی تحقیقات در مورد اکوسیستم دیجیتال در ادبیات سیستم های اطلاعاتی گسترده تر انجام شده است که اکوسیستم ICT را به عنوان ابزاری برای توسعه اجتماعی و رسیدگی به نابرابری ها بررسی می کند. با این حال، در زمینه خدمات مالیاتی دیجیتال، اکثر تحقیقات در این زمینه بر روی کاربرد مدل های پذیرش، پذیرش و استفاده از فناوری از جمله مدل پذیرش فناوری (TAM)، دلون و مدل موفقیت مکین IS^۶ در مورد سهامداران مختلف در فضای مالیاتی مانند مقامات مالیاتی، مالیات دهندگان یا مشاوران مالیاتی متمرکز شده است. با وجودی که موارد بررسی شده ضروری هستند، اما این مدل ها پدیده هایی را بررسی می کنند که تنها بخش کوچکی از زیرساخت های مدیریت مالیات دیجیتال گسترده تر را شامل می شوند. تحقیقات فعلی فاقد درک صریح و ادغام رویکرد به ادبیات مالیات الکترونیکی و همچنین عدم پذیرش چنین رویکردی به تحقیقات از قبل موجود در مورد مالیات دیجیتال در مورد معیارهای ارزیابی مالیات دیجیتال وضوح می دهد (هینمان و همکاران^۷، ۲۰۲۴).

¹ Omar

² Marti

³ Dada

⁴ Nkohkwo and Islam

⁵ Maisiba et al.

⁶ Mclean IS Success Model

⁷ Heinemann et al.

ادبیات پژوهش

نظام مالیاتی

نظام مالیاتی مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، و فرآیندهایی است که توسط دولت‌ها برای جمع‌آوری مالیات از افراد، شرکت‌ها و سازمان‌ها وضع می‌شود. این نظام به منظور تأمین منابع مالی برای ارائه خدمات عمومی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و تسهیل رشد اقتصادی کشورها طراحی شده است. در نظام مالیاتی، انواع مختلف مالیات‌ها وجود دارد، مانند مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده (VAT)، مالیات بر املاک و مستغلات، و مالیات‌های خاص بر برخی کالاها و خدمات (جیکوبز، ۲۰۱۷).

مالیات‌ها ابزارهای مهمی برای توزیع مجدد ثروت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی هستند. دولت‌ها با استفاده از درآمدهای مالیاتی می‌توانند برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی را اجرا کنند که به بهبود وضعیت زندگی شهروندان کمک می‌کند. علاوه بر این، مالیات‌ها می‌توانند به عنوان ابزارهای تنظیمی عمل کنند و رفتارهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند؛ به عنوان مثال، مالیات بر سوخت‌های فسیلی می‌تواند مصرف انرژی‌های پاک‌تر را تشویق کند (فان و همکاران، ۲۰۲۰).

نظام مالیاتی همچنین نقش مهمی در پایداری مالی دولت‌ها دارد. بدون یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه، دولت‌ها قادر به تأمین هزینه‌های عمومی نخواهند بود و ممکن است به بدهی‌های زیاد متوسل شوند. طراحی و اجرای صحیح نظام مالیاتی نیازمند شفافیت، کارایی و عدالت است تا ضمن تأمین منابع مالی لازم برای دولت، اعتماد و همکاری شهروندان را نیز جلب کند.

¹ Jacobs

² Fan et al.

جدول ۱: انواع مالیات در سیستم مالیاتی کشور (میر محمدی و جنتی، ۱۳۹۶)

منبع مالیاتی	پایه	نوع مالیات
مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی	پایه درآمد	مالیات‌های مستقیم
مالیات بر درآمد مشاغل		
مالیات بر درآمد حقوق		
مالیات بر درآمد مستغلات		
مالیات بر درآمد اتفاقی	پایه ثروت	
مالیات بر ارث		
مالیات بر نقل و انتقال مستغلات		
حق تمبر		
مالیات بر ارزش افزوده	پایه مصرف	مالیات‌های غیرمستقیم
مالیات بر واردات		

جایگاه نظام مالیاتی در دولت

نظام مالیاتی در دولت به عنوان یکی از ارکان کلیدی برای تأمین منابع مالی و پشتیبانی از برنامه‌های عمومی شناخته می‌شود. این نظام به دولت اجازه می‌دهد تا با جمع‌آوری مالیات‌ها، منابع مالی لازم برای تأمین خدمات عمومی مانند بهداشت، آموزش، زیرساخت‌ها و امنیت را فراهم کند. این خدمات به نوبه خود بهبود کیفیت زندگی شهروندان و پیشرفت اقتصادی کشور را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، نظام مالیاتی نقش اصلی را در تأمین مالی فعالیت‌های دولتی و ارائه خدمات عمومی بر عهده دارد (باسی، ۲۰۲۰).

علاوه بر تأمین مالی، نظام مالیاتی نقش مهمی در تنظیم و بهینه‌سازی توزیع ثروت و درآمد دارد. از طریق مالیات‌ها، دولت می‌تواند درآمدها را از گروه‌های پردرآمد به گروه‌های کم‌درآمد منتقل کرده و نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهد. این اقدامات می‌تواند به تقویت عدالت اجتماعی و ترویج همبستگی اقتصادی در جامعه کمک کند. بنابراین، نظام مالیاتی نه تنها منبع درآمدی برای دولت، بلکه ابزاری برای تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی نیز به شمار می‌رود.

¹ Bussy

در نهایت، نظام مالیاتی تأثیر عمده‌ای بر پایداری مالی و اقتصادی دولت دارد. یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه می‌تواند به کاهش وابستگی دولت به منابع خارجی و افزایش استقلال مالی کمک کند. همچنین، با بهبود شفافیت و کارایی در جمع‌آوری و مدیریت مالیات‌ها، دولت می‌تواند از بروز مشکلات مالی و اقتصادی جلوگیری کرده و به تقویت اعتماد عمومی و مشارکت شهروندان در فرآیندهای مالیاتی پردازد.

مالیات الکترونیکی

مالیات الکترونیکی به سیستم‌هایی اطلاق می‌شود که از فناوری‌های دیجیتال برای تسهیل و بهبود فرآیندهای مرتبط با مالیات استفاده می‌کنند. این سیستم‌ها شامل ابزارهایی برای ثبت و پرداخت مالیات، ارسال اظهارنامه‌ها، و مدیریت سوابق مالیاتی به صورت آنلاین هستند. هدف اصلی مالیات الکترونیکی ساده‌سازی و تسریع فرآیندهای مالیاتی، کاهش هزینه‌ها، و افزایش دقت و شفافیت در مدیریت مالیات‌ها است.

با استفاده از مالیات الکترونیکی، مودیان مالیاتی می‌توانند به راحتی اظهارنامه‌های مالیاتی خود را به صورت آنلاین ارسال کنند و مالیات‌های خود را از طریق سیستم‌های پرداخت الکترونیکی پرداخت نمایند. این روش‌ها موجب کاهش نیاز به مراجعه حضوری به ادارات مالیاتی و کاهش زمان و هزینه‌های مرتبط با پردازش‌های دستی می‌شود. همچنین، دولت‌ها می‌توانند با استفاده از این سیستم‌ها به طور مستقیم و در زمان واقعی به داده‌های مالیاتی دسترسی پیدا کنند و نظارت بهتری بر فعالیت‌های مالیاتی داشته باشند (گوارو و همکاران، ۲۰۱۶).

مالیات الکترونیکی همچنین به بهبود دقت و کاهش خطاها در فرآیندهای مالیاتی کمک می‌کند. با خودکارسازی فرآیندها و استفاده از سیستم‌های پیشرفته، امکان وقوع خطاهای انسانی کاهش یافته و شفافیت بیشتری در مدیریت مالیات‌ها فراهم می‌شود. این امر می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی نسبت به نظام مالیاتی و کاهش میزان فرار مالیاتی کمک کند. مالیات الکترونیکی می‌تواند به عنوان ابزاری موثر برای بهبود تعاملات میان مودیان و سازمان‌های مالیاتی عمل کند. با فراهم کردن امکانات و ابزارهای دیجیتال، دولت‌ها قادر خواهند بود خدمات مالیاتی را به صورت سریع‌تر و کارآمدتر ارائه دهند و تجربه بهتری را برای مودیان مالیاتی ایجاد کنند. این تحولات به نوبه خود به تقویت سیستم‌های مالیاتی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها کمک خواهد کرد (ساینی و همکاران، ۲۰۲۱).

¹ Gwaro et al.

² Saini et al.

جدول ۲: سیستم بوروکراتیک سنتی و سیستم مالیات الکترونیکی

شرح	سیستم بوروکراتیک سنتی	سیستم مالیات الکترونیکی (E-tax)
جهت گیری	هزینه - بازده محصول	انعطاف پذیری - کنترل و رضایت کاربر
سازماندهی فرآیند	عقلانیت عملکردی، دپارتمان سازی، سلسله مراتب عمودی کنترل	سلسله مراتب افقی، سازمان شبکه، به اشتراک گذاری اطلاعات
اصل مدیریت	مدیریت طبق قانون و دستورالعمل	مدیریت انعطاف پذیر، کار گروهی بین بخشی با هماهنگی مرکزی
سبک مدیریت	دستور و کنترل	تسهیل و هماهنگی، کار آفرینی نوآورانه
ارتباطات داخلی	بالا به پایین، سلسله مراتبی	شبکه چند منظوره سلسله مراتبی با هماهنگی مرکزی، ارتباط مستقیم

اجرای مالیات الکترونیکی

ادارات مالیاتی شریان حیاتی هر اقتصادی هستند و برای موفقیت دستور کار دیجیتالی دولت حیاتی هستند. در راستای تحول دیجیتالی گسترده تر دولت، مأموریت اصلی اداره مالیات نیز در کنار آن تکامل یافته است. مقامات مالیاتی خود را نه تنها به عنوان جمع کننده مالیات، بلکه به عنوان ارائه دهندگان طیف وسیعی از خدمات مالیاتی از ارائه اطلاعات، کمک به مالیات دهندگان و آموزش مالیات می بینند. اکنون مالیات دهندگان به طور فزاینده ای به عنوان مشتریانی در نظر گرفته می شوند که در ازای تعهدات مالیاتی خود از مزایایی در قالب خدمات عمومی بهره مند می شوند (آلونسو و همکاران، ۲۰۲۱).

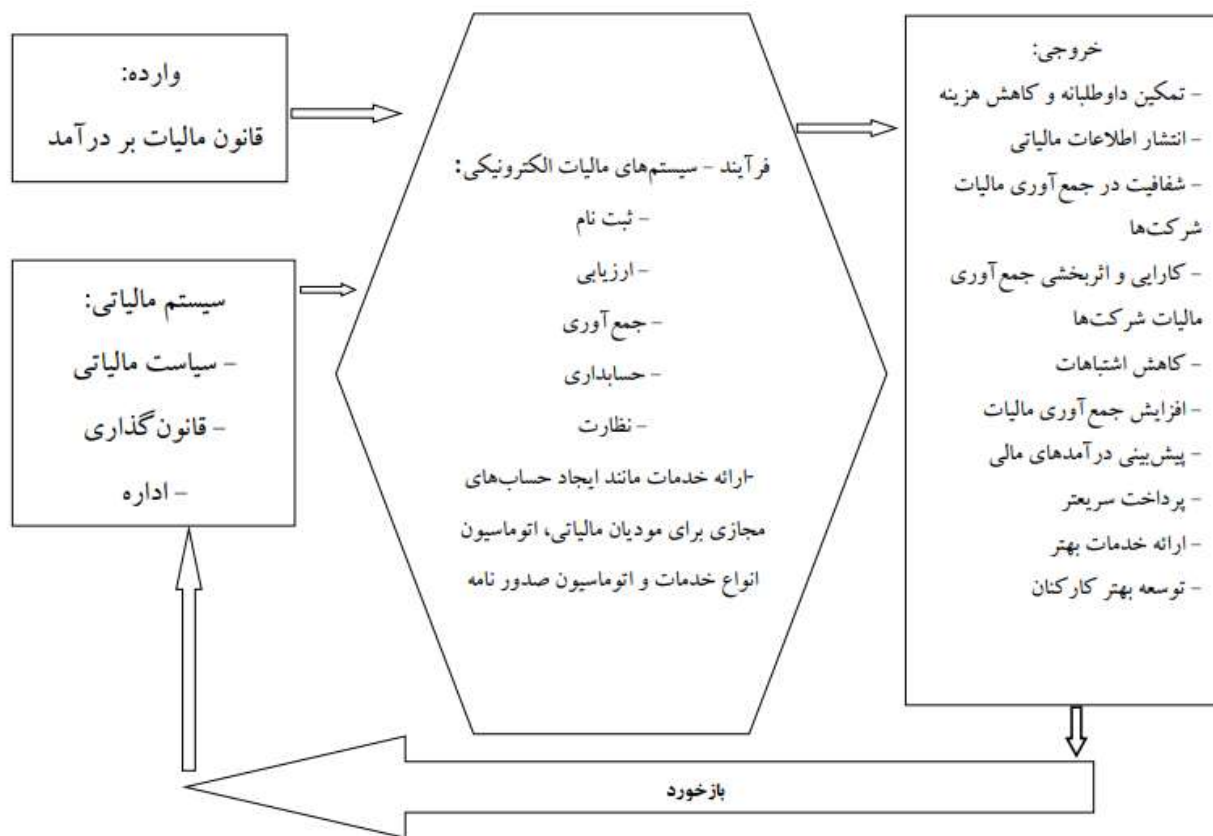
موفقیت در اجرای مالیات الکترونیکی برای هر دولت دوستدار دیجیتال به دلیل اجتناب ناپذیر بودن مالیات و این واقعیت که گسترده ترین دامنه تعامل بین دولت و شهروندان را بدون توجه به ویژگی های جمعیتی فراهم می کند، ضروری است. با توجه به گسترش تجارت الکترونیک و ابزارهای کاربردی تلفن همراه که روزانه از آنها استفاده می کنند، مالیات دهندگان انتظارات زیادی در مورد خدماتی که از دولت خود انتظار دارند دارند (بتنر و همکاران، ۲۰۲۳).

با این وجود، در حالی که بسیاری در ادبیات در مورد مزایای افزایش دیجیتالی سازی، مانند نظارت و نظارت بیشتر بر مخارج مالی، کاهش بروز فساد، حکمرانی خوب و نابرابری درآمد کمتر صحبت کرده اند، این مزایا را نمی توان فرض کرد و بدیهی دانست. در واقع، دیگران در ادبیات به نرخ بالای شکست پروژه های دولت الکترونیکی انتقاد کرده اند که مالیات دیجیتال نیز از این قاعده مستثنی نیست. طبق گفته مرگل (۲۰۱۶)، ۹۴٪ از این پروژه ها در ایالات متحده بیش از بودجه هستند و ۴۰٪ هرگز به پایان نمی رسند.

¹ Alonso et al.

² Buettner et al.

³ Mergel

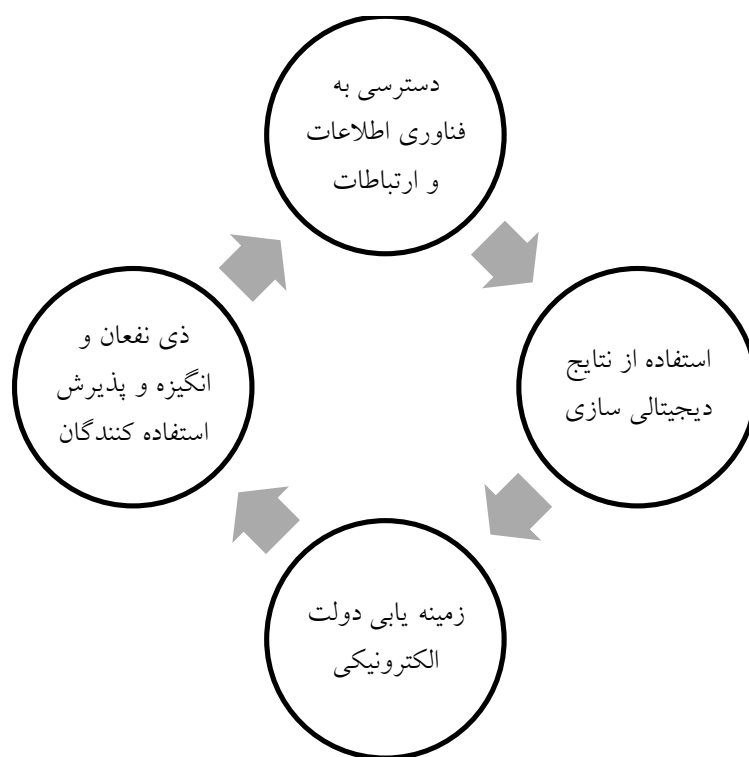


شکل ۱: سیستم مالیات الکترونیکی

مالیات الکترونیک در دولت الکترونیک

بر اساس ادبیات دولت الکترونیک، از مدل فناوری اطلاعات و ارتباطات برای تحلیل ادبیات مربوطه استفاده می‌کنیم. مفهوم «اکوسیستم فناوری اطلاعات و ارتباطات» در زمینه دولت دیجیتال توسط گروه سیاست الکترونیک باز رایج شد، که آن را به عنوان شامل سیاست‌ها، استراتژی‌ها، فرآیندها، اطلاعات، فناوری‌ها، برنامه‌ها و ذینفعانی تعریف می‌کند که با هم تشکیل می‌دهند. یک محیط فناوری برای یک کشور، دولت یا یک شرکت. مهمتر از همه، یک اکوسیستم ICT شامل افراد می‌شود - افراد متنوعی که فناوری را ایجاد، خرید، فروش، تنظیم، مدیریت و استفاده می‌کنند (باربو و همکاران، ۲۰۲۴).

¹ Barbu et al.



شکل ۲: جایگاه یابی مالیات الکترونیکی در دولت الکترونیکی (باربو و همکاران، ۲۰۲۴).

از این تعریف، واضح است که «فناوری» در خلأ وجود ندارد و در یک سیستم بسته و فنی ضعیف ارائه می‌شود. در عوض، مفهوم اکوسیستم تشخیص می‌دهد که کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات باید در محیط وسیع‌تری تعیبه شده و از ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی، فضایی و اقتصادی جایی که خود را می‌بیند قدردانی کنند. در واقع، تعاملات فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان بازیگران مختلف در سیستم‌های مختلف رهبری سیاسی، حکمرانی، نوآوری، سیستم‌های اقتصادی، سواد و شهروندی به این معناست که به طور اجتناب‌ناپذیری اجزای یک اکوسیستم فناوری اطلاعات و ارتباطات باید از بافت کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد. شناخت این تفاوت‌ها، به ویژه بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، مهم است. همچنین باید به بازیگران مختلف که برای پایداری یک اکوسیستم ICT کارآمد حیاتی هستند، توجه داشت. این امر مستلزم قدردانی از پویایی‌های اجتماعی و جمعیتی است که بر مشارکت کامل گروه‌های مختلف در آن بافت کشور خاص تأثیر می‌گذارد. یک تحلیل اکوسیستم مناسب باید سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، تحصیلات، سواد کامپیوتر، جغرافیا و سایر ویژگی‌ها را در نظر بگیرد (ستيوواتی و همکاران، ۲۰۲۰).

بنابراین، مالیات دیجیتال، سیستمی است که با رویکرد اکوسیستمی مطابقت دارد، با توجه به اینکه مسلماً به شدت متکی به مشارکت بازیگران خارج از مقامات درآمد برای موفقیت است. این به دلیل تأثیر گسترده‌ای است که مالیات می‌تواند بر اقتصاد داشته باشد، از تغییر رفتار مالیات‌دهندگان، سهولت انجام تجارت، نابرابری، فقر و سیاست‌های مالی. این اکوسیستم مالیات دیجیتال به عنوان مدلی

¹ Setyowati et al.

تحلیلی عمل می کند که از طریق آن ادبیات مالیات دیجیتال برای این مطالعه به طور سیستماتیک تجزیه و تحلیل می شود و به شکاف موجود در ادبیات می پردازد، که ممکن است پس از آن توسط محققان آینده در کاوش موفقیت یا شکست انواع دیجیتال بررسی شود.

عدالت سازمانی

یکی از عوامل موثر بر میزان بقا و پایداری افراد در سازمان میزان حقوق و دستمزد است. رعایت انصاف، عدل و ایجاد یک ساختار نظاممند در پرداخت تاثیر بسزایی بر عملکرد و تعهد کارکنان یک سازمان دارد (محمدی و همکاران، ۲۰۲۲). و کوتاهی در رعایت عدالت سازمانی و بی توجهی به مقوله تعهد سازمانی منجر به افزایش هزینه های هنگفت ناشی از ترک خدمت و جذب نیروهای جدید، نارضایتی، افت عملکرد و کاهش ماندگاری کارکنان می شود (منصوری، ۲۰۱۹). بر اساس نظریه برابری و نظریه تبادل اجتماعی، عدالت سازمانی در ساده ترین اصطلاح، درک انصاف کارکنان از تصمیمات، سیاست ها و رویه هایی است که در محل کار افراد گرفته می شود (فتاحی سرند و همکاران، ۲۰۱۹). در ادبیات سازمان و مدیریت، واژه عدالت ابتدا توسط گرین برگ به کار گرفته شد. به نظر گرین برگ عدالت با ادراک و تلقی کارکنان از انصاف کاری مرتبط است. گرین این واژه را برای تشریح و تفسیر نقش انصاف در محیط کاری به کار برده است. طبقه بندی هایی که اغلب در گذشته برای عدالت مطرح می شدند در بردارنده دو بعد عدالت توزیعی و عدالت رویه ای بودند. در سال ۱۹۸۶ بعد سوم توسط بیس و مواگ تحت عنوان عدالت مرادیه ای معرفی گردید (میرخلیلی و همکاران، ۲۰۱۹). عدالت سازمانی در محیط پویا و دگرگون فعلی، اهمیت ویژه ای برای مدیران و کارکنان داشته و بیانگر برابری و لحاظ کردن رفتار اخلاقی در یک سازمان می باشد. در واقع درک عدالت سازمانی ابزار اصلی برای کارکرد سازمان می باشد. رعایت عدالت رمز بقا و پایداری جریان توسعه پیشرفت سازمان و کارکنان آنست (کیدا و تکمورا، ۲۰۲۴).

عدالت مالیاتی

مالیات به عنوان مهمترین منبع درآمدی نقش ویژه ای در تأمین مالی دولتها در کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای توسعه یافته دارد؛ به طوری که سهم مالیات در ترکیب منابع درآمدی دولت در برخی کشورهای توسعه یافته به بیش از ۹۰ درصد میرسد (نوش ناب و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از اصول و حقوق مالیاتی، اصل عدالت و برابری است؛ پرداخت مالیات نیز در جامعه باید به صورت عادلانه باشد و مردم بر اساس سه اصل برابری، همگانی و تناسب مالیاتهای وضع شده را پرداخت نمایند (دریسکول، ۲۰۲۳). نظام مالیاتی یکی از مهمترین ابزارهای سیاستهای مالی یک نظام اقتصادی است؛ یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه لازمه یک نظام اقتصادی قوی است در فرآیند وصول مالیات جلب همکاری و رضایت مؤدیان نسبت به تمکین داوطلبانه از راهبردهای اصولی سیستم مالیاتی محسوب می شود. مدیریت تمکین داوطلبانه رهیافت مدرنی است که به انگیزه های اجتماعی و اقتصادی شهروندان توجه نموده و پیش از وقوع عدم تمکین زمینه های آن را شناسایی کرده و اصل را بر پیشگیری قرار میدهد (علیزاده و همکاران، ۲۰۲۳). کشوری میتواند قوی و پیشرفته شود که یک نظام مالیاتی مترقی و عادلانه داشته باشد دولتی که بتواند از یک اقتصاد مولد درون زا و رو به رشد، به درستی و بر پایه عدالت مالیات دریافت کند در حقیقت موتور محرک توسعه پایدار اقتصادی را به حرکت در آورده است. یکی از ارکان توسعه پایدار سیستم مالیاتی

مؤثر متمرکزی می‌باشد زیرا می‌تواند پایه درآمد داخلی را به عنوان مکانیزمی کلیدی در کشورهای در حال توسعه برای فرار از کمک‌ها یا وابستگی منحصر به فرد به منابع طبیعی ایجاد نماید (دانشور و همکاران، ۲۰۲۳).

از طرفی ایران به عنوان کشوری در حال توسعه دارای سیاست‌های کلان توسعه‌ای و سند چشم انداز بیست ساله برای پیشرفت و توسعه می‌باشد که نیاز دارد به صورت یک نظام جامع، تمام خرده نظام‌های آن (اقتصادی، سیاسی، اداری و فرهنگی) برای رسیدن به اهداف کلان پیشینی شده، پویا و بیش فعال باشد. نظام مالیاتی، اصلی‌ترین کارکرد را در ایجاد توازن و تعادل در بخش‌های مختلف اقتصادی بر عهده دارد (خواجوی و پورگودرزی، ۱۴۰۰). با توجه به اهمیت بسیار بالایی که مالیات به ویژه در چند سال اخیر به دلیل وجود تحریم‌های گسترده و عدم فروش نفت - در تأمین بودجه کشور دارد، ایجاد یک نظام عادلانه مالیاتی که منجر به افزایش تمکین و رضایت مؤدیان مالیاتی گردد، بسیار لازم و ضروری است. از آنجا که پرداخت مالیات چندان رضایتبخش نمی‌باشد، برخی از مؤدیان با هدف پرداخت نکردن مالیات یا کاهش میزان مالیات پرداختی، مبادرت به فرار و اجتناب از مالیات می‌نمایند (هاشمی و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به مطالعات انجام شده داخلی و خارجی در زمانی که مؤدیان یک سیستم مالیاتی را عادلانه بدانند و به آن اعتماد کنند، می‌توان افزایش تمکین و خود اظهاری مالیاتی را انتظار داشت. به هر میزان که خود اظهاری همراه با نظارت دستگاه‌های دولتی به منظور راستی آزمایی در نظام مالیاتی یک کشور افزایش پیدا کند، افزایش شفافیت و کاهش فرار مالیاتی نیز اتفاق می‌افتد. همچنین افزایش تمکین و خود اظهاری مالیاتی به صورت گسترده منجر به افزایش درآمدهای دولت و کاهش هزینه‌های وصول مالیات می‌گردد (نابایلا و آمالیا، ۲۰۲۳).

اهداف عدالت مالیاتی

یکی از اهداف عدالت مالیاتی، کاهش نابرابری درآمدی است. سیستم مالیاتی باید به گونه ای طراحی شود که فرصت‌ها و منابع بیشتری را برای افراد با درآمدهای پایین تر فراهم کند. این مهم می‌تواند با بکارگیری روشهای مالیاتهای پیشرفته که در آن، درآمدهای بالاتر با نرخ مالیاتی بیشتر و درآمدهای کمتر را با نرخ مالیاتی کمتر مالیات می‌دهند، تسهیل شود. عدالت مالیاتی از نظر قانونی نیز با اهمیت است (دریسکول، ۲۰۲۳). قوانین مالیاتی باید به گونه ایی باشند که به عدالت مالیاتی متعهد و تمامی افراد در برابر قوانین مساوی باشند همچنین باید قوانین و مقررات مالیاتی به طور شفاف و قابل فهم برای همه افراد در جامعه قرار گیرند تا هر فرد بتواند به درستی میزان مالیاتی که باید پرداخت کند را متوجه شود. این امر به عدالت فرایندی یا روندی نیز مربوط می‌شود که هر فرد بتواند به طور مساوی از فرایند تصمیم گیری و اجرای قوانین مالیاتی بهره مند شود. در نهایت، عدالت مالیاتی در جامعه به عدالت اجتماعی و انصاف اقتصادی کمک می‌کند. با توزیع مناسب بار مالیاتی و تأمین منابع مالی برای خدمات عمومی، می‌توان بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد در جامعه را تسهیل کرد همچنین اجرای عدالت مالیاتی می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و کاهش ناامنی اقتصادی کمک کند. از طرف دیگر، نادیده گرفتن عدالت مالیاتی می‌تواند منجر به نارضایتی افراد، افزایش نابرابریهای اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی شود (دریسکول، ۲۰۲۳).

¹ Driscoll,

در قوانین مختلف مالیاتی یکی از ابزارهای سیاست گذاری، مالیاتی، مشوقهای مالیاتی است. مشوق مالیاتی یک سیاست مالیاتی است که از طریق آن دولتها برای رسیدن به اهداف توسعه ای افزایش سرمایه گذاری و افزایش اشتغال به گروه خاصی از سرمایه گذاران و یا فعالان اقتصادی (مشوق هدفمند) و یا به همه آنها (مشوق عام یا غیرهدفمند) با اعطای انواع تخفیف، ترجیحات ارفاق اعتبار و تعویقات مالیاتی، رفتارهای تبعیض آمیز مالیاتی کنند. این مسأله گاهی حتی باعث سوء تفاهم و ایجاد شکاف بین مردم و طبقه حاکم می شود. میزان مالیات نوع رفتار با مؤدیان، مالیاتی هدفمند نبودن معافیت مالیاتی از جمله اموری است که میتواند حس تبعیض و بی عدالتی را در مردم تقویت کند. از این رو باید اصل عدالت که یک ملاک و معیار در نظام اسلامی برای تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است؛ چه در اصل مالیات و چه در مشوقهای مالیاتی لحاظ شود. (عطااللهی^۱ و همکاران، ۲۰۲۳).

در ادبیات مالیاتی نظامهای مالیاتی بر اساس دو اصل توانایی پرداخت و اصل بهای خدمات و یا ترکیبی از این دو شکل گرفته اند. در واقع توانایی پرداخت همان اصلی است که به عدالت اجتماعی و توزیع ثروت در جامعه از طبقات بالا به سطح پایین بر می گردد که این کار از طریق مکانیزم بودجه کشور که بخشی از آن از طریق وصول مالیات است تأمین می شود. رعایت نرخ پائین مالیات و استفاده از نظام تک نرخ و اعمال عمومی و فراگیر مالیات نسبت به مشمولین در وصول به عدالت و کارایی از یک طرف و کسب درآمد و جذب سرمایه گذاری از سوی دیگر مؤثر است. این تعبیر از عدالت مالیاتی در دو مفهوم عدالت عمودی و عدالت افقی مالیاتی هویدا میشود. عدالت عمودی به توانایی افراد در پرداخت مالیات و عدالت افقی به شرایط مشابه و برابر افراد و اشخاص مشمول مالیات اشاره دارد (عطااللهی و همکاران، ۲۰۲۳).

به عبارت دیگر در عدالت عمودی برای برقراری مالیات عادلانه و تحقق اصل عدالت مالیاتی به شاخصی توجه میشود که اثرات و جنبه اقتصادی داشته باشد. یعنی تنها بعد اقتصادی مردم مد نظر قرار میگیرد. عدالت عمودی، اقتضای عدالت در طرز عمل مالیاتی مردم نسبت به تفاوت درجات برخورداری ایشان از پایه مالیاتی است. در واقع، بیانگر این است که در اخذ مالیات ها، باید با اشخاصی که از نظر اقتصادی در وضعیت متفاوتی هستند به صورت دیگری برخورد شود. یعنی تقسیم منابع مالیاتی به نحوی است که افراد با درآمدهای کمتر و آسیب پذیرتر از برنامه های اجتماعی و اقتصادی، مقدار مالیاتی کمتری بپردازند. این بعد تأکید می کند که توزیع بار مالیاتی باید به نحوی باشد که افراد با درآمدهای پایین تر نیز بتوانند به خوبی زندگی کنند و به خدمات عمومی دسترسی داشته باشند. اما در عدالت افقی، پرداخت مالیات در واقع گونه ای رفتار برابر با اشخاص در موقعیت های برابر است هر چند که این افراد درآمدهای خود را از طریق گوناگون به دست آورده باشند. در عدالت افقی چگونگی وضع قوانین، توزیع بار مالیات، ساختار نرخهای مالیاتی و شمول آن به موجب قوانین تعیین میشوند. برای تأمین عدالت افقی، لازم است نظام مالیاتی با مردم در مواضع و موقعیتهای یکسان و برابر به گونه ای برابر برخورد و رفتار کند.

در تقسیم بندی دیگر چهار بعد برابری، فراگیری تناسب و نصفت برای اصل عدالت مالیاتی مطرح می شود (مولایی^۲، ۲۰۲۰).

الف) برابری: یعنی اینکه افراد و اشخاصی که از دیدگاه مالیاتی در شرایط یکسان قرار دارند، مالیاتی برابر بپردازند نرخ ثابت و برابر. ویژگی برابری در عدالت مالیاتی به این معنا است که تفاوت درآمدی بین افراد باید به طور ناعادلانه تأثیری بر تقسیم بار مالیاتی نداشته

¹ Attaullahi, H

² Mulaee A

باشد. این مولفه تأکید میکند که توزیع بار مالیاتی باید بر پایه اصل برابری اجتماعی انجام شود و هیچ فردی به دلیل در آمد یا وضعیت اجتماعی خاص از پرداخت مالیات معاف نشود. بر اساس این مولفه تخفیفات مالیاتی و معافیتها باید به طور مناسب و عادلانه توزیع شوند.

ب) فراگیری (عمومیت): طبق این بعد مالیات باید عمومیت داشته باشد و بین افراد مختلف جامعه بایستی به صورت عادلانه تقسیم شود و در پرداخت مالیات هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر سیستم مالیاتی باید به طور عادلانه و بدون تبعیض برای همه افراد در جامعه اعمال شود. این بعد تأکید می کند که هیچ شخص یا گروهی نباید از پرداخت مالیات معاف شود و همه باید به قوانین مالیاتی پایبند باشند عمومیت در سیستم مالیاتی به معنای اعمال قوانین مشابه برای همه افراد حفظ شفافیت و عدم تعارض منافع در فرایند تصمیم گیری مالیاتی است.

ج) تناسب: بدان معنا که مالیات متناسب با توانایی مالیات دهنده باشند. بر این اساس در پرداخت مالیات باید به توانایی پرداخت کننده مالیات (مؤدی) توجه داشت. به عبارت دیگر تناسب در عدالت مالیاتی به این معنا است که میزان مالیاتی که هر فرد باید پرداخت کند، باید به طور عادلانه و متناسب با منافع و توانایی اقتصادی او باشد. به عبارت دیگر، افراد با درآمدهای بالاتر باید مبالغ بیشتری را به عنوان مالیات پرداخت کنند، در حالی که افراد با درآمدهای پایین تر باید مالیات کمتری را پردازند. این بعد به بعد عدالت افقی نزدیک است و تأکید دارد که توزیع بار مالیاتی بر اساس توانایی اقتصادی و درآمد افراد صورت بگیرد.

د) نصفیت: انصاف نظام مالیاتی به عنوان پیش شرطی برای تمکین داوطلبانه در طی دهه های اخیر در سطح بین الملل مورد بررسی قرار گرفته است. درک انصاف نظام مالیات بر در آمد، مبنای شکل گیری اعتماد متقابل است که در امر تمکین مورد تاکید بسیار بوده است. مؤدیان در ارزیابی انصاف نظام مالیاتی مشارکت مالیاتی خود را با منافعی که به ازای آن از دولت دریافت می کنند مورد مقایسه و سنجش قرار میدهند. ابعاد از انصاف مانند انصاف نرخهای ترجیحی، انصاف شخصی، انصاف عمومی و انصاف رفتاری در مطالعات معرفی شده اند.

انصاف عمومی مبین منصفانه بودن رفتار نظام مالیاتی در سطح عمومی یا به عبارتی در سطح جامعه است که در آن بحث رضایت مردم از سیاستهای اتخاذی دولت در مصرف درآمدهای مالیاتی مطرح میشود انصاف شخصی یا فردی یکی دیگر از ابعاد درک انصاف است که به برداشت افراد نسبت به مطلوبیت سازمان از جهت تأمین انتظارات شخصی آنها اشاره دارد. مفاد قوانین مالیاتی و رویه های مورد استفاده مراجع مالیاتی از جمله موضوعاتی است که در انصاف سازمانی به آنها پرداخته می شود.

مطالعات تجربی تحقیق

زمانی و همکاران (۱۴۰۳)، پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر خدمات الکترونیکی دولت بر فرار مالیاتی با نقش تعدیل کننده فناوری اطلاعات و ارتباطات ارائه نمودند. نتایج نشان داد که ایجاد فرهنگ تولید و تبادل اطلاعات توسط دولت در قالب ارائه خدمات الکترونیک و همسو کردن خدمات مذکور با نیازها و خواسته های اطلاعاتی مودیان مالیاتی می تواند منجر به کاهش فرار مالیاتی شود. پیشنهاد می شود، دولت در راستای استقرار نظام مالیاتی مبتنی بر فناوری های نوظهور و کارآمد، به بازنگری، اصلاح، طراحی و ایجاد الگوها، استانداردها، قوانین و مقررات مشخص با استفاده از تجارب موفق بین المللی پردازد. همچنین سامانه های یکپارچه با لحاظ نیازهای همه ذینفعان نظام مالیاتی، طراحی و ایجاد نماید.

کازمی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی هدف از پژوهش خود را ارزیابی میزان عدالت مالیاتی و تاثیر آن بر فرار مالیاتی در بین کارکنان اداره کل امور مالیاتی همدان بیان می کنند. در این تحقیق موضوع ارزیابی میزان عدالت مالیاتی و تاثیر آن بر فرار مالیاتی در بین کارکنان اداره کل امور مالیاتی همدان مورد بررسی قرار گرفته است که در رساله حاضر ابتدا مدل مالیات عادلانه مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت تخمین مدل صورت می پذیرد و از این منظر که مدل جامع تر می باشد رساله حاضر این کاستی را جبران می کند.

نظری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با هدف بررسی نقش عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی، کلیه مودیان حقوقی مالیاتی اداره امور مالیاتی اهواز را به عنوان جامعه آماری پژوهش خود مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش حاکی از این بود که عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی نقش معناداری دارد و همچنین تخصص و کارآیی، ماموران فرهنگ عدالت، مالیاتی تخصص و کارآیی ماموران، تشویق و مجازات مالیاتی و مشارکت دادن مودیان و توجیه آنان از نحوه محاسبه مالیات تمکین مالیاتی مودیان، میتواند نقش مهمی ایفا کند.

مشهورالحسینی و همکاران (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان بررسی نقش دولت الکترونیک بر توسعه نظام مالیاتی با توجه به نقش میانجی رضایتمندی مودیان اداره کل امور مالیاتی استان خراسان جنوبی ارائه نمودند. یکی از راهکارهای اصلاح نظام مالیاتی تغییر رویکرد مالیات ستانی سنتی به الکترونیکی می باشد که مدتی است در ایران به مرحله اجرا درآمده است. سازمان امور مالیاتی کشور در سال های اخیر توانسته است با اجرای طرح جامع مالیات الکترونیکی گام مهمی در این حوزه بردارد. بر این اساس هدف از این مطالعه بررسی نقش دولت الکترونیک بر توسعه نظام مالیاتی با توجه به نقش میانجی رضایتمندی مودیان اداره کل امور مالیاتی استان خراسان جنوبی است.

فتوحی و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر عوامل موثر پذیرش خدمات دولت الکترونیکی بر تمایل به استفاده از اظهارنامه مالیاتی الکترونیک در میان مودیان مالیاتی شهر رشت ارائه نمودند. نتایج نشان داد که سهولت استفاده، سودمندی ادراک شده و تأثیرات اجتماعی و مباحث فنی و زیرساختی مناسب تأثیر مثبت و معناداری بر تمایل به استفاده از اظهارنامه مالیاتی الکترونیکی دارند. لذا با افزایش عوامل سهولت استفاده، سودمندی ادراک شده و تأثیرات اجتماعی و مباحث فنی و زیرساختی مناسب، میزان تمایل به استفاده از اظهارنامه مالیاتی الکترونیکی در شهر رشت افزایش می یابد.

پولاتو (۲۰۲۴)، پژوهشی با عنوان مالیات در اقتصاد دیجیتال در ازبکستان ارائه نمودند که یک مدل نظارتی نوآورانه و یکپارچه را پیشنهاد می کند. این مدل از یک شبکه مشارکتی حمایت می کند که قدرت دولتی را با تخصص صنعت ترکیب می کند، با هدف ایجاد مقررات سازگار و پاسخگو (به نام "قوانین پویا") که می تواند با پیشرفت های تکنولوژی تکامل یابد. هدف این رویکرد جدید پل زدن شکاف بین پیشرفت های سریع هوش مصنوعی در صنعت و فرآیندهای دموکراتیک ضروری قانون گذاری است.

موندراگوریگالادو و همکاران (۲۰۲۴)، پژوهشی با عنوان دولت الکترونیک: فرهنگ و جمع آوری مالیات ارائه نمودند. نتایج نشاد داد دولت باید استراتژی های کنترلی را از طریق سیستم های هوشمند با هدف کاهش سطح فرار مالیاتی اجرا کند. این اقدام نه تنها به افزایش درآمد دولت کمک می کند، بلکه تخصیص کارآمدتر منابع برای پروژه های سرمایه گذاری عمومی را نیز تسهیل می کند.

نگیان و همکاران (۲۰۲۴)، پژوهشی با عنوان تأثیر سیستم مالیاتی الکترونیکی بر رعایت مالیات شرکت های کوچک و متوسط ویتنامی ارائه نمودند. نتایج حاکی از آن است که نظام مالیاتی الکترونیکی تأثیر مثبت و معناداری بر انطباق مالیاتی این شرکت ها دارد.

پوتری و همکاران (۲۰۲۳) نیز در پژوهشی تحت عنوان تأثیر عدالت مالیاتی و ارتباطات بر پذیرش داوطلبانه در کشور مالزی پرداختند نتایج حاکی از آن بود که عدالت مالیاتی تأثیر مثبت و مستقیم و معناداری بر پذیرش رعایت داوطلبانه مالیات دارد و همچنین از طریق متغیر اعتماد نیز تأثیری غیر مستقیم بر پذیرش داوطلبانه اعمال می‌کند.

باسی و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان یک چارچوب مفهومی برای مدیریت مالیات دیجیتال - یک بررسی سیستماتیک ارائه نمودند. با تکیه بر یک بررسی سیستماتیک از نود و شش نشریه در سراسر ادبیات مالیات دیجیتال، مالیات، و سیستم‌های اطلاعاتی، یک چارچوب مفهومی جامع برای بهبود موفقیت ما در خدمات دیجیتال در اداره مالیات ایجاد شده است. چارچوب مفهومی پانزده موضوع را برای بررسی توسط سیاستگذاران هنگام طراحی خدمات دیجیتال در ادارات مالیاتی شناسایی می‌کند که در چهار دسته قرار دارند - زمینه، سهامداران، فناوری و نتایج نشان داده شده. این چارچوب همچنین باید به عنوان یک نقطه مرجع در توسعه موفقیت آمیز استراتژی‌ها و اقدامات برای جاسازی خدمات دیجیتال در ادارات مالیاتی باشد. جهت‌های تحقیقاتی آینده نیز بر اساس چارچوب مفهومی پیشنهاد شده‌اند که به پیشرفت درک ما از خدمات دیجیتال در اداره مالیات فراتر از مدل‌های پذیرش فناوری کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

نظام مالیاتی هر کشور نقش کلیدی در تأمین رفاه اجتماعی و ثبات اقتصادی ایفا می‌کند. یکی از چالش‌های اساسی در این حوزه، افزایش پذیرش مالیاتی توسط مودیان است، زیرا این شاخص مستقیماً بر کارآیی و اثربخشی سازمان‌های مالیاتی تأثیر می‌گذارد. پذیرش مالیاتی از عوامل مهمی نظیر عدالت مالیاتی ادراکی و سرمایه اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. مفهوم عدالت مالیاتی به ابعاد متنوعی مانند عدالت توزیعی، ساختار نرخ مالیات و مزایای متقابل دولت و مودیان وابسته است. ایجاد حس عدالت در نظام مالیاتی می‌تواند پذیرش مودیان را افزایش داده و سلامت سیستم مالیاتی را در سطوح خرد و کلان بهبود بخشد.

در این میان، دولت الکترونیک با ارائه راهکارهای نوین، امکان دیجیتالی‌سازی فرآیندهای مالیاتی را فراهم کرده و نقش مهمی در بهبود کارآیی و شفافیت ایفا می‌کند. استفاده از فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و بلاک‌چین، فرآیندهایی نظیر ثبت اظهارنامه‌ها، پرداخت مالیات و نظارت بر درآمدهای مالیاتی را ساده‌تر و دقیق‌تر کرده است. این تغییرات نه تنها منجر به کاهش هزینه‌ها و زمان فرآیندهای مالیاتی می‌شود، بلکه شفافیت بیشتری ایجاد کرده و خطر وقوع فساد و تخلفات را کاهش می‌دهد. همچنین، این سیستم‌ها با بهبود تجربه کاربری، سطح رضایت مودیان را افزایش داده و اعتماد عمومی به نظام مالیاتی را تقویت می‌کنند.

با این حال، چالش‌هایی مانند نرخ پایین استفاده از سیستم‌های دیجیتال در کشورهای در حال توسعه و نیاز به مدیریت جامع اکوسیستم مالیاتی همچنان باقی است. موفقیت نظام مالیاتی دیجیتال تنها با بهره‌گیری از فناوری امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند توجه به عواملی مانند تعاملات بین افراد، فرآیندها و نهادها در اکوسیستم مالیاتی است. برای دستیابی به اثربخشی بیشتر، باید اصلاحات دیجیتال به گونه‌ای طراحی شود که با محیط اقتصادی و اجتماعی سازگار باشد و به کاهش نابرابری‌ها و افزایش عدالت مالیاتی کمک کند.

در ایران، اصلاح نظام مالیاتی با تمرکز بر عدالت مالیاتی و دیجیتالی‌سازی فرآیندها می‌تواند گامی مؤثر در افزایش پذیرش مالیاتی و ارتقای کارآیی باشد. با توجه به تلاش‌های انجام شده در جهت توسعه دولت الکترونیک، استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش

مصنوعی و بلاک چین می تواند شفافیت و کارآمدی بیشتری را به همراه داشته باشد. با این حال، چالش هایی نظیر مقاومت در برابر تغییر، ضعف در زیرساخت های دیجیتال و فرهنگ سازمانی سنتی همچنان موانعی بر سر راه تحول مالیاتی محسوب می شوند. بنابراین، موفقیت در اصلاح نظام مالیاتی نیازمند سیاست گذاری جامع، ارتقای سطح دانش و آگاهی مودیان، بهبود زیرساخت ها و ایجاد حس اعتماد و عدالت در جامعه است تا ضمن افزایش درآمدهای مالیاتی، توسعه اقتصادی پایدار و عادلانه نیز محقق شود.

منابع:

حسن زاده، رسول و موسوی، سیدابراهیم (۱۴۰۱) الگوی عوامل موثر بر افزایش عدالت مالیاتی در ایران، ششمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری ایران

زمانی لایلا، برزوین شیروان صمد، کریمی جعفری فاطمه، انصاری محسن. (۱۴۰۳). بررسی تاثیر خدمات الکترونیکی دولت بر فرار مالیاتی با نقش تعدیل کننده فناوری اطلاعات و ارتباطات. پژوهشنامه مالیات. ۱۴۰۳؛ ۳۵ (۶۱): ۱۷۰-۲۱۸.

زمانیان م و باقری ک. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر ادراک کارکنان از عدالت سازمانی بر اعتماد سازمانی در اداره امور مالیاتی استان همدان. نش

فتوحی فشمی ح.، فتوحی فشمی ح. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر عوامل موثر پذیرش خدمات دولت الکترونیکی بر تمایل به استفاده از اظهارنامه

مالیاتی الکترونیک در میان مودیان مالیاتی شهر رشت. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، 3(11) ، 118-131

مشهور الحسینی، سید محمد رضا و کیخا، سمیه. (۱۴۰۰). بررسی نقش دولت الکترونیک بر توسعه نظام مالیاتی با توجه به نقش میانجی رضایتمندی مودیان اداره کل امور مالیاتی استان خراسان جنوبی، اولین کنفرانس بین المللی آزمایشگاه مدیریت و رویکردهای نوآورانه در مدیریت و اقتصاد، تهران،

میر محمدی، سید محمد؛ جنتی، نادر. (۱۳۹۶). اولویتهای اصلاح نظام مالیاتی ایران با تاکید بر فعالیتهای گردشگری (رویکرد مدلسازی تفسیری ساختاری). گردشگری و توسعه، ۶(۱). صص ۱۷۷-۱۵۰.

نظری، سید یاسر، احمدی، مسعود، و ایمان خان، نیلوفر. (۱۴۰۳). تاثیر عدالت و فرهنگ مالیاتی بر تمکین مالیاتی با در نظر گرفتن نقش نگرش مودیان-در نظام اداری ایران. علوم مدیریت ایران، ۱۳(۴۹)، ۱۱۱-۱۳۵.

Abu-Silake, S.A., Alshurafat, H., Alaqrabawi, M. et al. 2022 Exploring the key factors influencing the actual usage of digital tax platforms. Discov Sustain 5, 88 (2024). <https://doi.org/10.1007/s43621-024-00241-2>

Alizadeh M, Alimoradi M, Heydari D, Abdi H. (2020). The Role of the Authority of the Tax Administration as a Result of Distributive and Procedural Justice on Tax Compliance. J Tax Res; 28 (47): 129-155 <http://dx.doi.org/10.52547/taxjournal.28.47.129>

- Alomari MK, Sandhu K, Woods P. Measuring social factors in e-government adoption in the Hashemite Kingdom of Jordan. *Int J Digit Soc.* 2010;1(2):163–72.
- Alonso, C., Feliz, L., Gil, P., & Pecho, M. (2021). Enhancing tax compliance in the Dominican Republic through risk-based VAT invoice management. *IMF Working Paper 2021.231*, Washington.
- Attaulahi, H., Aminisabegh, Z., Sadeh, E., Kalantari Khalilabad, H. (2023). presentation of the policy model of tax justice in accordance with the statement of the second step of the Islamic Revolution, *Research Journal of Taxation*, number fifty -seven, 31 (57), 97 -120. [In Persian]
- Barbu, DC., Bâra, A., Oprea, SV. (2024). Impact of Electronic Cash Registers on Tax Collection. In: Ciurea, C., Pocatilu, P., Filip, F.G. (eds) *Proceedings of 22nd International Conference on Informatics in Economy (IE 2023). IE 2023. Smart Innovation, Systems and Technologies*, vol 367. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-99-6529-8_3
- Bassey, E. Mulligan, E. Ojo, A. (2022). A conceptual framework for digital tax administration - A systematic review. *Government Information Quarterly*, 39, 10-27.
- Buettner, T., & Tassi, A. (2023). VAT fraud and reverse charge: Empirical evidence from VAT return data. *International Tax and Public Finance*, 30, 849–878. <https://doi.org/10.1007/s10797-023-09776-y>
- Bussy, A. (2020). Cross-border value added tax fraud in the European Union. Working paper. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3569914. Accessed 17 Aug 2022.
- Dada, D. (2006). The failure of E-government in developing countries: A literature review. *The Electronic Journal of Information Systems in Developing Countries*, 26(1), 1–10.
- Driscoll, D. (2023). Populism and Carbon Tax Justice: The Yellow Vest Movement in France. *Social Problems*, 70 (1), 143 -163.
- Fan, H., Liu, Y., Qian, N., & Wen, J. (2020). Computerizing VAT invoices in China. National Bureau of Economic Research. <https://doi.org/10.3386/w24414>
- Fattahi Sarand, Vahid; Shaemi Barzeki, Ali; Teymuri, Hadi. (2019). The mediating role of ethical climate in the relationship between organizational justice and organizational identity. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 15 (4): 186 -189. [In Persian]
- Gwaro, O., Kimani, M., Kwasira, J.: Influence of online tax filing on tax compliance among small and medium enterprises in Nakuru Town, Kenya. *J. Bus. Manage.* 18(10), 82–92 (2016)
- Heinemann, M., Stiller, W. Digitalization and cross-border tax fraud: evidence from e-invoicing in Italy. *Int Tax Public Finance* (2024). <https://doi.org/10.1007/s10797-023-09820-x>
- Jacobs, B. (2017). Digitalization and taxation. In S. Gupta, M. Keen, A. Shah, & G. Verdier (Eds.), *Digital revolutions in public finance* (pp. 25–55). International Monetary Fund. <https://doi.org/10.5089/9781484315224.071>

- Kida, R., & Takemura, Y. (2024). Relationship between shift assignments, organizational justice, and turnover intention: A cross-sectional survey of Japanese shift-work nurses in hospitals. *Japan Journal of Nursing Science*, 21(1), e12570.
- Maisiba, JG & Atambo, W. (2016), 'Effects of electronic tax system on the revenue collection efficiency of Kenya Revenue Authority', *Imperial Journal of Interdisciplinary Research*, 2(4), 815–827.
- Mansouri, Hossein. (2019). Factors affecting organizational commitment and the role of organizational justice in promoting it. *Scientific -research journal of human resource management in oil industry*, 11 (42):316 -343. [In Persian]
- Marti, OL (2010), 'Taxpayers' attitudes and tax compliance behavior in Kenya', *African Journal of Business and Management*, 1(1), 112-122.
- Mergel, I. (2016). Agile innovation management in government: A research agenda. *Government Information Quarterly*, 33(3), 516–523.
- Mirkhalili, Mahmoud; Asgari Mot, Ali; Bahrami Gero, Mojtaba. (2019). Violation of organizational justice in the prevention of administrative corruption. *Criminal Law Research*, 1 (21): 275 -296. [In Persian]
- Mohammadi, Mehdi; Hassanzadeh Adergani, Asghar; Omrani Nejad, Hamidreza. (2022). Factors affecting organizational commitment. 4th International Conference on Management, Tourism and Technology, Penang: Malaysia. [In Persian]
- Mondragon Regalado, J.R. et al. (2024). Electronic Government: Culture and Tax Collection. In: Stephanidis, C., Antona, M., Ntoa, S., Salvendy, G. (eds) *HCI International 2024 Posters*. HCII 2024. Communications in Computer and Information Science, vol 2119. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-61966-3_11
- Mulaee A. (2020). The Survey on Concept of Justice in the Article 251 Repeated of the Direct Tax A. *J Tax Res*, 28 (47) :109 -128
- Nguyen, N.D., Mac, Y.T.H., Do, H.T.H. (2024). The Impact of Electronic Tax System on Tax Compliance of Vietnamese Small and Medium Enterprises. In: Tran, H.V.T., Shioji, H., Le, H.L.T., Hayashi, T. (eds) *Knowledge Transformation and Innovation in Global Society*. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-99-7301-9_9
- Nkohkwo, Q. N. A., & Islam, M. S. (2013). Challenges to the successful implementation of e-government initiatives in Sub-Saharan Africa: A literature review. *Electronic Journal of e-government*, 11(1), 252–266.
- Noosh Nab M, Haj Alian F, Jahangir Fard M.) 2022. (Presenting a Paradigmatic Model of the Organizational Architecture of Tax Affairs Based on Information Technology Governance by Data Method (Case Study of the State Tax Affairs Administration). *J Tax Res*; 30 (54): 55-92 <http://dx.doi.org/10.52547/taxjourna> 30. 54. 55 (Persian)

- Omar, A., Weerakkody, V., & Daowd, A. (2020). Studying transformational government: A review of the existing methodological approaches and future outlook. *Government Information Quarterly*, 37(2), Article 101458.
- Pulatov, A. (2024). Taxation in the Digital Economy in Uzbekistan. In: Urinboyev, R. (eds) *The Political Economy of Central Asian Law*. International Political Economy Series. Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-55341-7_9
- Saini, S., Pathak, P.: Blockchain technology: challenges and opportunities in the world of indirect taxes. *Turk. J. Comput. Math. Educ.* 12(3), 4473–4482 (2021)
- Setyowati, M.S., Utami, N.D., Saragih, A.H., Hendrawan, A.: Blockchain technology application for value-added tax systems. *J. Open Innov. Technol. Market Complex.* 6(4), 156 (2020).
- Walter, Y. Managing the race to the moon: Global policy and governance in Artificial Intelligence regulation—A contemporary overview and an analysis of socioeconomic consequences. *Discov Artif Intell* 4, 14 (2024). <https://doi.org/10.1007/s44163-024-00109-4>